

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۵۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۶۵۰۰۷ -۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۲۰ شوال ۱۴۴۴ • ۱۱ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۵۱ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۱۹
اذان صبح فردا ۳:۲۵ • طلوع آفتاب ۵:۰۲

شترت

دیالوگ روز

تالار شهر- هارولد بکر- ۱۹۹۶

شهردار جان (آل پاچینو) چیزی که بیشتر از همه دوستش داری دقیقا همون چیزیه که تو رو نابود می‌کنه و یک لغزش فقط وقتی تبدیل به اشتباه می‌شه که به جای اصلاح انکارش کنی.



ابراهیم ایوبی وکیل دادگستری

دولت ابراهیم رئیسی در یازدهم اردیبهشت لایحه‌ای با عنوان «نحوه برگزاری جمععات و راهپیمایی‌ها» با قید یک‌فوریت تقدیم هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی کرد. در مقدمه این لایحه ۴۶ ماده‌ای به زمینه‌سازی برای ایفای تعهد همگانی امر به معروف و نهی از منکر و همچنین تحقق اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی (تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است) اشاره شده است. از منظر تاریخی این موضوع در ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است: «(۱) هرکس حق آزادی اجتماع و تشکل مسالمت‌آمیز دارد. (۲) هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور به تعلق به تشکلی کرد». البته این نخستین اقدام در راستای اجرای اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی نیست و در گذشته پیشینه دارد. اولین کوشش‌ها در راستای اجرای حق آزادی جمععات و راهپیمایی‌ها به آغاز کار دولت اول سیدمحمد خاتمی بازمی‌گردد.

عبدالله نوری در مقام وزیر کشور در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۷۷ در استفساریه‌ای از شورای نگهبان درخواست رفع ابهام از عبارت «مخل به مبانی اسلام» را در اصل

بیست‌وهفتم قانون اساسی می‌کند: «نظر به اینکه در اصل مذکور مصادیقی با مواردی از مخل به مبانی اسلام ذکر نشده و همچنین مرجعی را نیز جهت تشخیص موضوع تعیین نکرده و با عنایت به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که هیچ قیدی جز (مخل به مبانی اسلام) مورد تصویب آن مجلس قرار نگرفته است… منظور از عبارت «مخل به مبانی اسلام» مندرج در اصل فوق چیست؟» و شورای نگهبان در پاسخ بیان می‌دارد: «شورا در برابر سؤالاتی که مورد تفسیر اصلی از اصول قانون اساسی… می‌شود در صورتی ملزم به جواب است که سؤال‌کننده هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی یا رئیس قوه قضائیه یا هیئت دولت یا رئیس‌جمهور باشد». در نتیجه اعلام پاسخ منفی می‌شود؛ دولت خاتمی بی‌کار نمی‌نشیند و در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۸۱ آیین‌نامه‌ای را با عنوان «چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی» در ۲۴ ماده از تصویب می‌گذرانند. در ماده ۵ این آیین‌نامه می‌خوانیم: «شوراهای تأمین، محل‌های مناسبی را برای برگزاری مراسم تعیین می‌کنند و سعی می‌شود مراسم در این محل‌ها برگزار شود». با توجه به اینکه این آیین‌نامه در راستای قانون نسخ‌شده «فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی با اقلیت‌های دینی شناخته‌شده» (مصوب ۱۳۶۰) به تصویب رسیده است، درحال‌حاضر این آیین‌نامه منسوخ محسوب شده و امکان اجرا ندارد.

حق آزادی جمععات و موانع جدید در لایحه دولت

حسن روحانی نیز که به‌عنوان حقوق‌دان به مقام ریاست‌جمهوری رسیده بود، در ۲۰ خرداد ۱۳۹۷ متنی با عنوان تصویب‌نامه «تعیین محل‌های مناسب برای تجمع‌های گروه‌های مختلف مردمی» از هیئت وزیران گذرانند که در چند خط فقط به بیان تعیین محل‌های مناسب در تهران و شهرستان‌ها پرداخته بود؛ برای مثال در شهر تهران ورزشگاه‌های دستجردی، تختی، معتمدی، آزادی و شبرودی، بوستان‌های گفت‌وگو، طالقانی، ولایت، پردیسان هنرمندان و شهرت و ضلع شمالی مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته شده بود؛ اما هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با شکایت سه شهروند عادی در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۹۸ با این استدلال که اصل بیست‌وهفتم برگزاری جمععات را در همه محل‌ها آزاد اعلام کرده و اینکه موضوع تعیین محل برگزاری، به استناد بند (۶) ماده ۱۱ قانون «نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» (۱۳۹۴) در صلاحیت کمیسیون ماده ۱۰ این قانون است، آیین‌نامه را ابطال می‌کند. درحالی‌که اولاً، امکان برگزاری تجمع در همه مکان‌ها وجود ندارد؛ ثانیاً، در بند (۶) ماده ۱۱ آمده «بررسی و اتخاذ تصمیم درخصوص درخواست برگزاری جمععات و راهپیمایی‌ها» و نه تعیین محل برگزاری. در هر حال با این تفسیر به‌ظاهر شهروندمحور و در باطن غیرمهدلانه با قانون اساسی، این آیین‌نامه هم منتفی شد.

با تکه‌ای به لایحه دولت مشخص می‌شود شروط و تشریفات زیادی برای گرفتن

شاهنامه‌خوانی

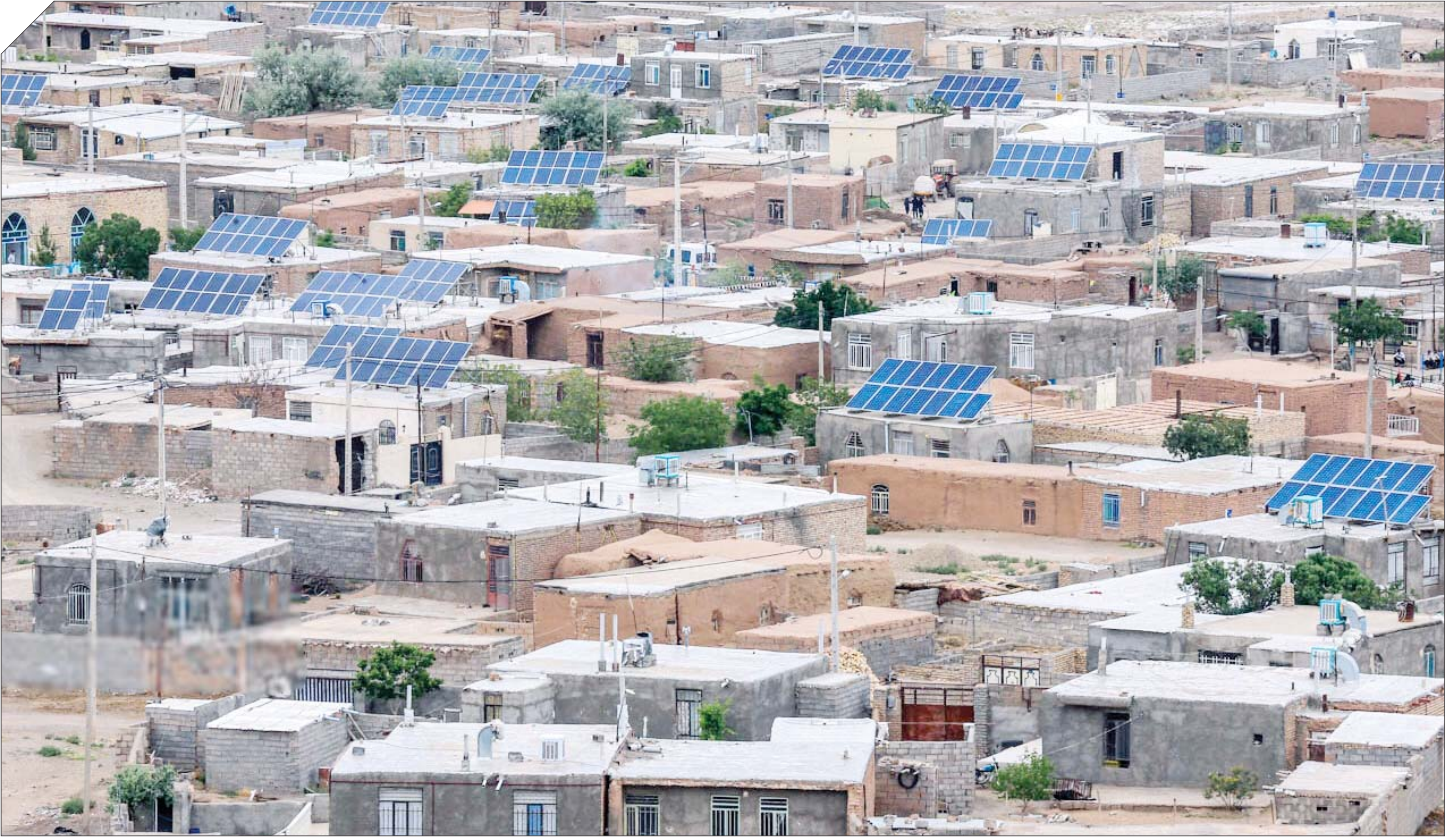
خسرو، پس از شصت سال شهریاری ^(۱)

بماند، نمی‌دانستیم لهراسب از شاهان نژاد دارد. به خاک سپاه سوگند خوردم و لیم آلوده گشت، آن گناه را به پای من ننویس». و به یاران خود گفت: «شما نیز این شاه را درود فرستید و با او هم‌پیمان شوید». چون خسرو پس از شصت سال پادشاهی اندیشه رهاسازی تاج و تخت در او پای گرفت و گوشه آتشکده را بر اورنگ شهریاری برتر دانسته، مهتران و نزدیکان را به نزد خویش پذیرا نگشت، مهسان ایران‌زمین از رستم و زال یاری جستند و آن دو پهلوان، یکی کهنسال و دیگری نه‌چندان جوان کوشیدند خسرو را برانگیزند تا به آیین همه شاهان، همچنان بر اورنگ شهریاری بماند تا مرگ او را در آغوش گیرد. خسرو را سر ماندن بر اورنگ شاهی نبود. زال به نجوا یاران را گفت: «بندارم دیو با او هم‌آواز گشته‌که از راه یزدان روی گردانده؛ فریدون و هوشنگ که هر دو یزدان‌پرست بودند، هرگز چنین نابخردانه رفتار نکردند. برآتم که همین را با خسرو بگویم اگر به بهای از دست‌دادن سر خویش شوم». پهلوانان زال را گفتند: «ما با تو هستیم، هرآنچه بایسته است به شاه بگو». و زال پاسخ از مهان و بزرگان دریافت کرده بود تا با شاه چنان سخن بگوید که پیش‌ازاین هیچ‌کس را برای این چنین سخن‌گفتن با شاهان کیانی نبود. آن‌گاه زال از جای خود برخاست و گفت: «ای خسرو خردمند، از این پیر جهاننیده سخنی بشنو و اگر ناراست سخن می‌گویی، پاسخی بگو که سخن راست‌گاه ناخوشایند و تلخ است اما با همان تلخی راه بر کاستی‌ها می‌بندد و شایسته نیست از سخن راست من آزرده شوی؛ تو از یک سسوی نواده افراسیاب هستی که همه وجودش فریب و نیرنگ و خشم بود و از دیگرسوی

پیشخوان

کوهی که سر پاست، سراپا خاکی است

شرق: «کوهی که سر پاست، سراپا خاکی ست» عنوان مجموعه‌ای از اشعار محمد عالی‌زاده است که به‌تازگی توسط انتشارات فصل پنجم منتشر شده است. این کتاب که شامل ۹۶ رباعی است، سومین مجموعه شعر عالی‌زاده است که در آستانه نمایشگاه کتاب منتشر شده است. از عالی‌زاده بیش از این دو مجموعه شعر از جمله کتاب «این کوه سرش همیشه زیر برف است» به چاپ رسیده بود. در رباعی‌های مجموعه تازه عالی‌زاده، مضامینی متنوع و امروزی وجود دارند و عنوان کتاب نیز از رباعی اول کتاب برگرفته شده: «از پست و بلندهای دنیا خاکی ست/ هرچند که مانده است بالا، خاکی ست/ بیهوده ترس از زمین خوردن خود/ کوهی که سر پاست، سراپا خاکی ست». به‌تازگی مراسم رونمایی و نقد این مجموعه شعر در کانون ادبی خاوران با همکاری کانون ادبی هنگام در فرهنگسرای سلامت برگزار شد. در این مراسم سعید بیابانکی، ناصر فیض و حمیدرضا شکارسری درباره شعرهای این مجموعه صحبت کردند. بیابانکی در بخشی از صحبت‌هایش گفته بود: «شاعر در این کتاب بیش از حد معمول از قواعد وزنی استفاده کرده است. هرچند وزن به کمک معنا آمده و توجهی دارد؛ ضمن اینکه شاعر انتظار مخاطب از رباعی را که غافلگیری است، به‌خوبی برآورده کرده است». ناصر فیض نیز به تنوع مضامین رباعی‌ها اشاره کرد و گفت: «ظرفیت‌های قالب رباعی در شعر روزگار ما بسیار زیاد شده و در این مجموعه هم تنوع اشعار بسیاری وجود دارد. رباعی‌هایی با مضمون طنز و شوخ طبعی و فضای کمیک،



• بزرگ‌ترین پروژه انرژی خورشیدی در روستای جاه‌نسر خراسان رضوی که با ۳۵۰ خانوار در فاصله ۵۰کیلومتری نیشابور و به عنوان روستای پاک معروف است به بهره‌برداری رسید.
عکس: مهدی قربانی/ ایرنا

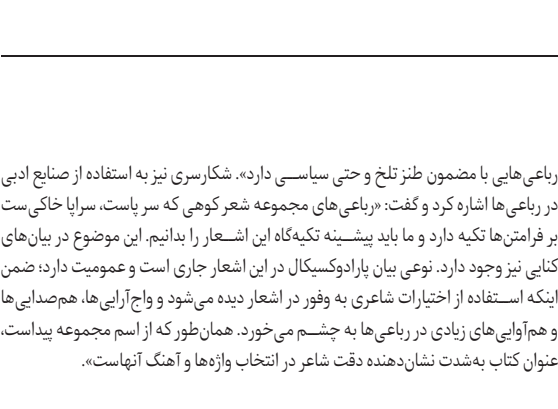
مجوز تجمع در نظر گرفته شده که مغایر روح قانون اساسی به‌ویژه فصل سوم «حقوق ملت» است. در ماده ۲ لایحه، هفت نوع تجمع از شمول قانون استثنا شده است؛ از جمله مراسم هیئت‌های مذهبی، راهپیمایی‌های اعلامی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و پیاده‌روی‌های همگانی، به نظر می‌رسد اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی ضرورتی برای کسب مجوز راهپیمایی نمی‌بیند؛ اما اگر قرار برای کسب مجوز باشد، این‌گونه استثنائات تبعیض‌آمیز است.

از سوی دیگر موضوع پیاده‌روی اساساً نه تجمع است و نه راهپیمایی! همچنین در ماده ۴، به دو قید «منع حمل سلاح» و «عدم مغایرت با احکام اسلامی»، دو شرط «عدم ایراد خدشه به استقلال، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور» و «عدم ایراد خدشه به محتوای اصول تغییرناپذیر قانون اساسی» اضافه شده که با روش استدلال هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال تصویب‌نامه دولت روحانی، انتظار می‌رود شورای نگهبان به این دو قید جدید ایراد وارد کند. بیشتر مواد این لایحه ماهیت آیین‌نامه‌ای دارد که می‌تواند در آیین‌نامه‌ای که در ماده ۴۵ پیش‌بینی شده، بگنجد. آنچه از این لایحه نسبتاً مفصل استنباط می‌شود، ایجاد بوروکراسی پیچیده برای برگزاری یک تجمع ساده است. لزوم کسب مجوز و این‌همه سازوکار و قید و شرط، با روح اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی و اصول حقوق شهروندی سازگار به نظر نمی‌رسد.

نواده کاووس درخیم‌خوی که آرزوی رسیدن به ستارگان

را در سر می‌پروراند و آن‌همه ایرانیان را بیازرد و پند مرا به هیچ گرفت و تو خود برای کین جویی از افراسیاب، بسیار ایرانیان را به کشتن دادی و در چه بسیار نبردها دست به دل‌آوری‌هایی زدی که مرگ از تو چندان دور نبود، اکنون گیتی به آرامش رسیده و تو بر آن شده‌ای که این آرامش را برهم زنی و از راه ایزدی بازگشته‌ای. از این بد تنی، هیچ سوسدی نخواهد برد و اگر اندیشه و رفتار تو این چنین است، دیگر کسی پیمان تو را نخواهد پذیرفت و بی‌گمان از این رفتار پشیمان خواهی شد، پس بیندیش و کژراهه دیوان را رها کن و اگر این چنین کار دیوان کنی، فره ایزدی از تو بریده خواهد شد و کسی تو را شاه نخواهد خواند و اگر این پند را نشنوی و به اهریمن بدکنش بگروی، نه اورنگ شهریاری و نه تاج کیانی که تنها درد برایت می‌ماند». و چون سخن زال به پایان رسید، همه یلان و پهلوانان یک‌به‌یک با زال هم‌آوا شدند. خسرو چون سخن زال و دیگر مهان را بشنید، اندکی بی‌سخن ماند و پاسخی نداد، سپس گفت: «ای جهاننیده زال که سال‌های بسیار را پشت‌سر گذارده‌ای، اگر پاسخ تو را به سردی گویم، جهاندار از من نپسندد و دیگر آنکه بیم دارم رستم از من دردمند شود و از درد او ایران گزند یابد». آن‌گاه همه آنان را پاسخ چنین گفت: «سخنان یک‌یک شما را بشنیدیم، به یزدان گیهان خدیو سوگند می‌خورم که از فرمان دیو بسیار دور هستم و همه روان و تن من به یزدان گرایش دارد و چون دل روشن‌م آن دیگر جهان را بدید، خرد جوشن من گردید».

ادامه دارد



کوهی که سر پاست سر اپا خاکی است
محمد عالی‌زاده
نشر فصل پنجم